بسم‌الله الرحمن الرحیم

[اجتماع امرونهی 2](#_Toc431809822)

[قسم سوم 2](#_Toc431809823)

[فروض بحث 2](#_Toc431809824)

[فرض اول 2](#_Toc431809825)

[فرض دوم 2](#_Toc431809826)

[بیان کفایه در این مقام 2](#_Toc431809827)

[خطبه اخلاقی نهج‌البلاغه 3](#_Toc431809828)

[معرفی خطبه 3](#_Toc431809829)

[شروع خطبه 3](#_Toc431809830)

[دلیل تفکیک دو عامل 3](#_Toc431809831)

[دنیا در دیدگاه نهج‌البلاغه 4](#_Toc431809832)

[گذر دنیا و اقبال آخرت 4](#_Toc431809833)

# اجتماع امرونهی

# قسم سوم

برای قسم سوم به صلاة در موضع تهمت مثال زده‌شده و گفته‌شده در اینجا نهی وجود دارد و نهی مفید کراهت است و برخلاف صلاة در حمام مرجوحیتی دارد و دارای منقصتی ذاتی است.

# فروض بحث

# فرض اول

در اینجا فروضی وجود دارد؛ فرض اول این است که برای دو طرف دلیل وجود داشته باشد. این فرض دقیقاً فرض اجتماع امرونهی را تشکیل می‌دهد. در این صورت باید دید مبنا در اجتماع امرونهی چیست؟

# فرض دوم

فرض دوم این است که دلیل خاص بگوید در مواضع تهمت نماز نخوانید، در اینجا طبعاً بیشتر قسم دوم مقصود است. مطلب دومی که باید در اینجا بیشتر بدان توجه داشت که این حالت دوم بیشتر در امرونهی تنزیهی است که مشهور قائل‌اند این نوع از حالت مصداق بحث امرونهی است؛ یعنی این نهی با امر تضاد داشته و قابل اجتماع نیست.

اما اگر کسی این مبنا را نپذیرد و طبق مبنای ما قائل باشد، این دو با یکدیگر قابل‌جمع هستند، این حالت وجود نخواهد داشت و این امر حالتی قابل دفاع است.

# بیان کفایه در این مقام

در این میان آنچه در کفایة مطرح‌شده این است که این بحث را مبتنی به قول به جواز و امتناع امرونهی برشمرده‌اند که در صورت جواز باید گفت نهی در اینجا بالعرض و مجاز یا از باب ارشاد است.

# خطبه اخلاقی نهج‌البلاغه

# معرفی خطبه

این خطبه 42 بوده و مشتمل بر مطلب بسیار مشهوری است. این روایت هم در عامه و در خاصه وجود دارد و از نبی اکرم (ص) و سایر ائمه اطهار نقل‌شده که در پاورقی وجود دارد که از کافی و خصال و کتب دیگری نقل‌شده است.

## شروع خطبه

امام در این خطبه می‌فرمایند؛

**«أَیهَا النَّاسُ إِنَّ أَخْوَفَ مَا أَخَافُ عَلَیکمُ اثْنَانِ اتِّبَاعُ الْهَوَی وَ طُولُ الْأَمَلِ فَأَمَّا اتِّبَاعُ الْهَوَی فَیصُدُّ عَنِ الْحَقِّ وَ أَمَّا طُولُ الْأَمَلِ فَینْسِی الْآخِرَةَ أَلَا وَ إِنَّ الدُّنْیا قَدْ وَلَّتْ حَذَّاءَ فَلَمْ یبْقَ مِنْهَا إِلَّا صُبَابَةٌ کصُبَابَةِ الْإِنَاءِ اصْطَبَّهَا صَابُّهَا أَلَا وَ إِنَّ الْآخِرَةَ قَدْ أَقْبَلَتْ وَ لِکلٍّ مِنْهُمَا بَنُونَ فَکونُوا مِنْ أَبْنَاءِ الْآخِرَةِ وَ لَا تَکونُوا مِنْ أَبْنَاءِ الدُّنْیا فَإِنَّ کلَّ وَلَدٍ سَیلْحَقُ بِأَبِیهِ یوْمَ الْقِیامَةِ وَ إِنَّ الْیوْمَ عَمَلٌ وَ لَا حِسَابَ وَ غَداً حِسَابٌ وَ لَا عَمَلَ»[[1]](#footnote-1)**

بیشترین چیزی که از آن می‌ترسم این است که فردی به دنبال خواسته نفس و طول آرزو راه بیفتد. البته هر دو این دو یکی است و آن تغلیب هوی بر فطرت است. اما چرا در اینجا جداشده است؟

## دلیل تفکیک دو عامل

دلیل آن این بوده که هوای نفس وضع فعلی شخص است که میل به معصیتی او را به سمت گناه می‌برد. اما به دلیل پیچیدگی ساختار، روح، عقل و معرفتی او قسم دوم نقل می‌شود که فرد برای آینده خود در نظر گرفته است، بسیاری از انحرافات بشر روی آینده‌های شیطانی است که امروز او را شیطانی می‌گرداند.

زمانی که افق آینده را شیطانی ترسیم نمود دیگر برای او آخرتی باقی نخواهد ماند. آینده‌نگری از امتیازات بشر است، اما محوریت شیطان در آینده‌جویی در اینجا مورد مذمت قرارگرفته است.

## دنیا در دیدگاه نهج‌البلاغه

لذا این روایت که دارای استفاضه است به دو عامل اتباع هوی و طول امل اشاره نموده که یکی از آن دو به وضع امروز فرد و دیگری به حال آینده فرد برمی‌گردد که همه در درون او قرار دارد. اما در ادامه دو مضمون می‌فرماید که در نهج‌البلاغه بارها مورداشاره قرارگرفته و آن دو این است که؛

دنیا به‌سرعت در حال گذر است که امام دائم ازلحاظ تربیتی تلاش می‌کنند که این حقیقت را در ذهن فرد مجسم نگه دارد، این گذر آن‌قدر سریع بوده که گویا گذشته است.

## گذر دنیا و اقبال آخرت

در نهج‌البلاغه بیش از بیست تشبیه در قبال دنیا می‌توان یافت که هریک تصویر زیبای خاصی را مطرح می‌کند یکی از آن موارد، این است که؛ وقتی لیوان آب آشامیده شود، چند قطره در ته ظرف باقی می‌ماند که دنیا بدین گونه به‌شدت ناچیز است. آن‌قدر دنیا نزد خداوند پست است که خداوند یک‌لحظه نیز بدان نظر ننموده است. او با همه عظمت در مقابل آخرت و حقیقت هستی چیزی ندارد.

از منظری دیگر عمر افراد در دنیا چنین حالتی را دارد. برای اینکه شما در دام آن دو امر مخوف قرار نگیرید بدانید که دنیا چنین خصوصیتی دارد و خواسته‌های شما در پی این خواسته‌های معنوی خواهد شد. از طرفی دیگر آخرت نیز آمده است و برای هریک از دنیا و آخرت فرزندانی وجود دارد.

 پس بکوشید تعلق شما به آخرت باشد چراکه هر ولدی روز قیامت به ریشه و مادر خود بازمی‌گردد.

1. نهج البلاغة؛ ص: 49 [↑](#footnote-ref-1)